

روی خط خبر

• مجموعه‌ای از ۹ فیلم کوتاه، داستانی و مستند ایرانی در جشنواره فیلم مستقل یونیورسال آمریکا به روی پرده می‌روند. در این رویداد سینمایی مستقل که ویژه استعداد‌های نوسینمای جهان است، فیلم‌های «من خواب‌های مادرم را میبینم» ساخته حجت غلامی، «نیوسان» از مهیار فروزنده اصل، «والس سال‌های خاکستری» به کارگردانی علی حسینی و راحیل بوستانی و «زانی که با گرگ‌ها دیده‌اند» ساخته امیراطهر سهیلی در بخش فیلم کوتاه جشنواره حضور دارند. همچنین «قصر شیرین» از ضامیر کریمی، «آرینا» به کارگردانی احمد تجری و «سروکوب» از رضا گوران در بخش فیلم‌های سینمایی درام و دو فیلم «شب را روز را، هنوز را» ساخته فرهاد عیوضی و «کیارستمی ادامه دارد» به کارگردانی احسان ناجی در بخش مستند جشنواره فیلم یونیورسال حضور دارند. □

• فیلمبرداری فیلم سینمایی «کوسه» به کارگردانی «علی عطشانی» و تهیه‌کنندگی «سیدمحمد احمدی» به پایان رسید و جشن پایان فیلمبرداری با حضور عوامل و بازیگران این فیلم برگزار شد. □

• نمایشنامه «اتاق عروس» به کارگردانی محمدقنبری، نویسندگی و آلتین کرانسانگوروف و ترجمه مریم سامعی بعد از نمایشنامه خوانی موفق در تماشاخانه مهرگان از اواسط شهریور اجرای خود را آغاز خواهد کرد. محمد قنبری پیش از این نمایش «خانم گلاب» به نویسندگی محبوبه نونقندی را در سال ۱۳۹۷ در سالن شماره یک پردیس تئاتر شهرزاد به صحنه برده بود که نمایش کم‌دی-تاریخی بود. □

• مرحله جدیدی از ارسال کتاب به مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قالب طرح تمیم با استقبال مربیان و اعضای کتابخوان کانون روبه‌رو شده است. براساس طرح تمیم (تامین محتوای یکپارچه مراکز کانون) نزدیک به ۳۰ هزار جلد کتاب به بیش از هزار مرکز کانون سراسر کشور ارسال شد. □

• نخستین دوره کنسرت آنلاین موسیقی دستگامی با حمایت دفتر موسیقی وزارت ارشاد، انجمن موسیقی ایران و بنیاد فرهنگی هنری رودکی به وسیله تلویزیون اینترنتی «تیوا» برگزار می‌شود. طبق برنامه ریزی‌های انجام گرفته این کنسرت ساعت ۲۰ روزهای شانزدهم تا بیستم مرداد سال جاری از محل تالار رودکی تهران پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. □

• حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی صبح روز یکشنبه، دوازدهم مرداد و در پی اعلام ابتلای نادر طالب زاده مستندساز، برنامه ساز تلویزیونی و دبیر جشنواره فیلم «عمار» در توییتهای خود حساب شخصی خود برای آوازوی سلامتی کرد. □

• نشر موسیقی «پتريکور» که در کشور آمریکا مستقر است، به زودی مسابقه‌ای همراه با رویدادی آموزشی برای آهنگسازان زیر ۳۵ سال مقیم ایران برگزار خواهد کرد. این رویداد ۶ ماهه در ادامه پروژه «امواج نوی ایران» آنتولوژی موسیقی نو در ایران برای فلوت است که از سال ۲۰۱۶ زیر نظر نشر موسیقی «پتريکور» آغاز شده است. «امواج نوی ایران» متشکل از آثار آهنگسازانی است که در شکل‌گیری صورت موسیقی نو در ایران نقش بسزایی دارند. هم‌زمان با انتشار آلبوم اول پروژه «امواج نوی ایران»، نشر موسیقی «پتريکور» بنادار رویداد «آهنگسازان جوان» را هم برگزار کند. هدف از برگزاری این رویداد، فراهم آوردن شرایطی درخور در حوزه آموزش، اجرا و ضبط آثار برای آهنگسازان جوان ایرانی است. این پروژه شامل برگزاری کلاس‌های آموزشی، سمینار، اجرا و ضبط آثار منتخب و سخنرانی آهنگسازان بین‌المللی است. در این پروژه استادیانی از دانشگاه‌های هاروارد، ایندیانا، برکلی، سن دیه‌گو و... به‌عنوان آهنگسازان میهمان حضور دارند. همه مکاتبات مربوط به شرکت در این رویداد موسیقیایی از جمله پاسخگویی به سوالات از طریق نشانی اینترنتی info@petrichor-records.com است. ایمیل نشر موسیقی «پتريکور» است. انجام می‌شود. □

دپالوگ

مهدی احمدی بازیگری که در پنج فیلم خسرو سینایی بازی کرده است؛ «بسیاری از آثار این فیلمساز بابت توجیهی روبه‌رو بود و با بی‌مهری‌هایی در سینما مواجه شد که یادآوری آنها هم ناراحت‌کننده است. «جزیره رنگین» آخرین کار من در فیلمی از آقای سینایی و «عروس آتش» مهم‌ترینش بود اما مهم‌ترین کار «در گفت‌وگو با سایه» بود که به نوعی دچار مشکل شد؛ چون کسانی که طرفدار صادق هدایت بودند با فیلم برخورد خوبی نداشتند و از آنجا که اکران خوبی هم نداشت خیلی کمتر دیده شد. گرچه اصولاً فیلم‌های آقای سینایی هیچ‌کدام اکران خوبی نداشتند، حتی «عروس آتش» که فیلم بسیار مهمی بود. مسأله فقط اکران نبود و این بی‌توجهی از اساس درباره فیلم‌های ایشان وجود داشت؛ یعنی مشکلی که آقای سینایی با فضای هنری حاکم داشتند. این بود که انگار نادیده گرفتن ایشان باب شده بود و این موضوع در طی سال‌هایی که ایشان کار می‌کردید دیده می‌شد. □



کمربت پوراحمد، کارگردان: «آقای سینایی که اهل موسیقی هم بود دو، سه فیلم خیلی خوب داشت مثل «در کوچه‌های عشق» که خیلی شاعرانه بود یا «عروس آتش» که فیلم بسیار مهمی بود. او آدمی فرهیخته و فرهنگی بود که البته ممکن است خیلی‌ها این ویژگی‌ها را نداشته باشند ولی آقای سینایی در کنار اینها یک صفت بسیار بارز دیگر هم داشت که آن هم انسانیت بود. او انسان بود و این چیزی است که این روزها خیلی نایاب شده است. من با ایشان زیاد نزدیک و صمیمی نبودم ولی در سفری با هم همراه بودیم و در این حد ایشان را شناختم که سینه این مرد از کینه و بغض و نفرت به کلی خالی بود. او سرشار از مهر و مهرورزی بود و عاشقانه و مهرورانه بدون بخل و تنگ‌نظری با اطرافیان و سینما برخورد می‌کرد. انسان بسیار شریفی بود که برای ساخت فیلم‌هایش اهل دودونو بازی و کلاه گذاشتن بر سر دیگران نبود. □



امیر دژاکام، نویسنده و کارگردان تئاتر: «پیشنهاد تولید تله‌تئاتر طرح بسیار خوبی است چون با این کار هنرمندان تئاتر درگیر فعالیت و کار می‌شوند و لحاظ اقتصادی نیز به‌بچه‌هایی که در این دوران بیکار بوده‌اند دستمزدی دریافت نکرده‌اند کمک می‌شود. تولید تله‌تئاتر علاوه بر کمک اقتصادی باعث کمک فرهنگی هم به علاقه‌مندان هنرهای نمایشی می‌شود و تا پیداشدن و تولید و اکس کروماتی تواننده عنوان یک مسکن عمل کند. مهم‌تر از همه این است که ایجاد اشتغال برای هنرمندان از طریق تله‌تئاتر می‌تواند به آنها کمک روانی کند چون کار کردن فرد را می‌سازد و هر شخصی چه زن و چه مرد بعد از مدتی کار نکردن دچار افسردگی می‌شود که همین مسأله می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای جامعه دربر داشته باشد. □



میرزا کام، نویسنده و کارگردان تئاتر: «پیشنهاد تولید تله‌تئاتر طرح بسیار خوبی است چون با این کار هنرمندان تئاتر درگیر فعالیت و کار می‌شوند و لحاظ اقتصادی نیز به‌بچه‌هایی که در این دوران بیکار بوده‌اند دستمزدی دریافت نکرده‌اند کمک می‌شود. تولید تله‌تئاتر علاوه بر کمک اقتصادی باعث کمک فرهنگی هم به علاقه‌مندان هنرهای نمایشی می‌شود و تا پیداشدن و تولید و اکس کروماتی تواننده عنوان یک مسکن عمل کند. مهم‌تر از همه این است که ایجاد اشتغال برای هنرمندان از طریق تله‌تئاتر می‌تواند به آنها کمک روانی کند چون کار کردن فرد را می‌سازد و هر شخصی چه زن و چه مرد بعد از مدتی کار نکردن دچار افسردگی می‌شود که همین مسأله می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای جامعه دربر داشته باشد. □

خسرو سینایی

بدون مراسم در قطعه هنرمندان دفن می‌شود

پیکر خسرو سینایی، کارگردان سینمای ایران، در قطعه هنرمندان به خاک سپرده خواهد شد. به گزارش ایسنا، با توجه به شرایط موجود و دوران پیکر کرونا، تدفین پیکر کارگردان «عروس آتش» بدون برگزاری مراسم انجام می‌شود. بنابراین به‌زودی با حضور خانواده به خاک سپرده خواهد شد. با وجود تردیدهایی که درباره تدفین پیکر این هنرمند پیشگام در قطعه هنرمندان بهشت زهرا مطرح شده بود، قرار نیست در قطعه دیگری دفن شود ولی ترجیح دست‌اندرکاران این است که خاکسپاری این هنرمند محبوب بدون تجمع و ازدحام انجام شود.

خسرو سینایی یازدهم مرداد ماه در ۸۰ سالگی بر اثر عفونت ریه و کرونا درگذشت. □



گفت‌وگوی «شهرنگ» با مجسمه‌ساز افغانستانی که نمایشگاه آثارش در حال برگزاری است

در جستجوی دنیای بدون جنگ

ما هنرمندان افغانستانی مثل بچه‌های بی‌سرپرست هستیم

[نیره خادمی] علیخان مطمئن است که اگر در افغانستان مانده بود و سال ۶۸ تا ۷۸ به ایران مهاجرت نکرده بود در جنگ‌های قومی، زبانی و داخلی وطنش کشته شده بود. آن سال‌ها به طور اتفاقی با حسن حاضرشار، پیرمرد خوشفکر مجتمع، در پارکینگ هم‌دل و هم‌زبان شدند و به صورت خودآموخته و با مواد دورریختنی مجسمه‌سازی را تجربه کردند. بعدها کامبیز در بخش این هنرمندان و مجسمه‌هایشان را کشف و معرفی کرد. حالا ۶۱ سال پس از فوت حسن حاضرشار، علیخان عبداللہی یک بار دیگر نمایشگاهی در گالری آرتیبیشن برپا کرده و آثارش را از عصر جمعه در آنجا به نمایش گذاشته است. او به «شهرنگ» می‌گوید که پس از ساخت ۶ تا ۷ هزار مجسمه هنوز اثری را که خود صددرصد قبول داشته باشد، خلق نکرده است؛ اگر چه همیشه آثارش از سوی مردم پسندیده و خریداری می‌شود. «تنها علاقه و اجبار من را به این مسیر گشاند. من از این کار نتیجه گرفتم و مردم آثارم را خریدند و همین باعث شد که آن را ادامه دهم. تلاش می‌کنم چیزهای جدید خلق کنم اما انگار هنوز حس آن کار که صددرصد مورد پسندم باشد در من به وجود نیامده است. تخیل درونی انسان بدون انتهاست. بنابراین من هم فکر می‌کنم هرگز به انتها و هدفم در خلق آن اثر نمی‌رسم.»

با دیدن مجسمه‌هایم گفت که شنیده‌ام بودا پرست شده‌ای، در حالی که اینجا هنر خلق کردن است. نگاه در آنجا این طور است؛ در حالی که بچه‌های با استعداد زیادی در افغانستان هستند که نیاز به تشویق و فضا دارند، البته الان فضا نسبت به گذشته بهتر شده است. دو سال پیش مریم کوهستانی نمایشگاهی از آثار تمام هنرمندان افغانستانی از سراسر جهان برگزار کرد و تازه آنجا ما هم دیگر را پیدا کردیم اما متأسفانه کسی نیست ما را حمایت کند و مثل بچه‌های بی‌سرپرست هستیم.»

مجسمه‌های علیخان که به قول خودش در ساختن آنها از همه نوع مواد دور ریختنی (خمیر نان، خاک باغچه، شانه تخم‌مرغ و...) استفاده کرده است، خیلی‌ها را به یاد مجسمه‌های بودا در بامیان می‌اندازد. مجسمه‌های بودا از نمادهای تاریخی افغانستان و جزو میراث فرهنگی و جاذبه‌های گردشگری در استان بامیان بود که در سال ۲۰۰۱ به وسیله نیروهای طالبان در آتش سوخت و حالا جز دو حفره از آن چیزی باقی نمانده است؛ خاطره‌ای که قلب علیخان را همیشه به درد می‌آورد. «بسیاری از مجسمه‌ها را در طول تاریخ نابود کردند؛ مجسمه‌هایی که می‌توانستند گردشگران زیادی را به افغانستان جذب کنند. افغانستان در این چهل سال خیلی زجر کشیده و جنگ‌های قومی، مذهبی، زبانی و داخلی زیادی دیده است. من هم اگر در افغانستان مانده بودم، حالا اصلاً زنده نبودم. ای کاش روزی سرانجام همه دنیا به آرامش برسد و بدون جنگ زندگی کنند.» او در سال ۱۳۴۲ در روستای قاسوم ولایت اروزگان به دنیا آمده است با چهار برادر و یک خواهر، حالا هم یک برادر و یک خواهرش در ایران زندگی می‌کنند. «وقتی هشت ساله بودم مادرم فوت کرد و پدرم هرگز نتوانست که ازدواج کند چون می‌خواست ما را بزرگ کند. پدرم وقتی در ایران بودم فوت کرد، همیشه نگران بودم که نکند در جنگ‌های قومی فوت کند و دست آخر حتی محل دفن او مشخص نباشد اما با وجود همه ناآرامی‌ها به مرگ طبیعی از دنیا رفت.» سه فرزند دارد، یک دختر و دو پسر که همه در ایران مشغول کار یا تحصیل هستند و می‌گوید که کرونا باعث شده است تا همسرش هم در خانه بماند و همراه او مجسمه‌سازی یاد بگیرد. «همیشه به همسر و بچه‌هایم گفته‌ام هیچ وقت ساکن نباشید، همیشه و در هر حالی حرکت کنید.» علیخان عبداللہی حالا در روزهای کرونایی آثارش را به مدت ۹ روز در گالری آرتیبیشن به نمایش و فروش گذاشته و امیدوار است که روزی برسد بدون چشمداشت از هنرمندان حمایت شود. «غیرممکن است که سازمانی از هنرمندان حمایت کند مگر اینکه به نفع منافعش باشد. حسن حاضرشار، هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز، تا وقتی زنده بود کنار خیابان بود وقتی فوت کرد همه به دنبالش آمدند، متأسفانه سرنوشت هنرمند همین است، آثارش پس از مرگ به دست دلالان می‌افتد و با قیمت گزاف فروخته شود در حالی که وقتی زنده است کسی او را نمی‌شناسد.» □

علیخان عبداللہی، هنرمند پنجاه‌وهفت ساله افغانستانی، در روستای قاسوم ولایت اروزگان و در همسایگی بامیان مرکز پیکره‌های بودایی افغانستان به دنیا آمده است. در کودکی عادت داشت که رد و نقش سنگ‌های کنار کوه را با چشم‌هایش دنبال کند. فکر می‌کرد تا سه، چهار روز باید مسیر را طی کند و پایان نقش برجسته‌ها را ببیند اما افغانستان و همه ولایت به ولایت آن همیشه پر از ناآرامی بود و جایی برای پرورش آن همه استعداد و تخیل کودکانه نداشت. «بزرگ‌تر که شدم شغلم در روستا چوپانی و کشاورزی بود اما بعد به ایران آمدم. چند سال بعد در همسایگی حسن حاضرشار به سمت مجسمه‌سازی کشیده شدم و تازه متوجه شده‌ام که این تخیل و علاقه از کودکی در من وجود داشته است.»

مثل بسیاری از هنرمندان چندان توضیحی برای اثر هنری‌اش ندارد و البته سبک خاصی هم در اجرای اثر دارد؛ مثل اینکه اثری را نیمه‌کاره رها کنید، بعد کار آن را تمام شده حساب کنید. «مرحوم محمد ابراهیم جعفری، هنرمند نقاش، درباره کارهایم می‌گفت مثل یک جنگل وحشی و دیوانه‌وار است و همین ناقص بودن کار آن را این طور برای دیگران زیبا می‌نمایند. وقتی کاری تمام می‌شود تازه صحبت من با آن شروع می‌شود، از این مصاحبت لذت می‌برم و انگار به دنیای جدیدی رسیده‌ام. یک بار شخصی سر من کلاه گذاشته بود، ناراحت بودم و با خودم می‌گفتم اگر نقاش بودم می‌توانستم این موضوع را به شکلی در نقاشی نشان دهم اما با مجسمه‌سازی نمی‌شود. چطور باید نامردی را نشان می‌دادم؟ یک دفعه حسی به سراغم آمد و اثری نزدیک به یک‌مترونیم را شروع کردم، یک طرف آن را کامل کردم و یک طرف دیگرش را ناقص نگه داشتم. با خودم فکر کردم این شبیه انسان‌های امروز است که در وقت معامله این روی تمیز، پاک و کامل را به دیگران نشان می‌دهند اما وقتی به مقصد می‌رسند این نیمه ناقص و کج هستند. بعدها یک نفر در نمایشگاه نیواران که این کار را همراه تمام کارهایم در نمایشگاه خریده بود، درباره همان مجسمه سوال پرسید و من هم برایش توضیح دادم. مسیر بعضی از کارها را وقتی ۱۰۰ درصد آن انجام می‌شود، می‌فهمم و گاهی حتی در دقیقه ۹۰ مسیرم را عوض می‌کنم.»

او معتقد است که افتادنش در این مسیر خواست خدا بوده و البته همسرش هم تأثیر زیادی در کارش داشته است اگر چه هنوز دوست و فامیل از افغانستان به او پیغام می‌دهند و نگرانند که با مجسمه‌سازی بت‌پرست شده باشد و به جهنم برود. «در افغانستان اصلاً این فضا و تشویق‌ها نبود، من از کودکی حتی دمبوره، ساز محلی خودمان، را می‌ساختم و می‌نواختم، چند بار من را توبه دادند اما دوباره ساختم. می‌گفتند هر که ساز بزند در جاده جهنم می‌سوزد، حالا هم فک و فامیل می‌گویند، خجالت نمی‌کنی اینها را می‌سازی؟ در آن دنیا چطور می‌خواهی جواب بدهی؟ حتی دابی من که در هندوستان در حال تحصیل است